

# حجی

این کتاب را حجی نبی در حدود ۵۲۰ ق. م. نوشته است. در این زمان یهودیان از تبعید در بابل به سرزمین خود بازگشته و در اورشلیم مشغول بازسازی خانه خدا بودند. اما پیش از اینکه بازسازی خانه خدا تکمیل شود، مردم آن را نیمه کاره رها می کنند و به مسایل دیگر می پردازند. همسایگان بدانندیش یهودیان نیز با سخنان دروغ خود سعی می کنند آنان را دلسرد کنند و بترسانند. از طرف دیگر اردشیر پادشاه نیز دستور می دهد تا بازسازی خانه خدا متوقف شود. برخی از مردم یهود نیز لب به شکایت می گشایند که این ساختمان مانند ساختمان اصلی خانه خدا که سلیمان ساخته بود، زیبا و پرشکوه نخواهد بود. آنها به فکر ساختن خانه های زیبا برای خود می افتند و ساختمان خانه خدا را نیمه کاره می گذارند.

در نتیجه، خداوند خشکسالی می فرستد و محصول زمینهای آنان را از بین می برد. مردم فقیر می شوند و حتی لباس کافی ندارند تا خود را گرم کنند. در این زمان حجی نبی با پیامی از جانب خداوند ظاهر می شود و یهودیان را ترغیب و تشویق می کند تا کار بازسازی خانه خدا را دوباره شروع کنند. خداوند به آنان می گوید که خانه خدا باید بزرگترین هدف آنان باشد و آنان باید سخت کار کنند تا ساختمان آن را تکمیل نمایند تا بتوانند مکانی برای عبادت داشته باشند. رویدادهای کتاب حجی به خواننده یاد آور می شود که باید خداوند را بیش از هر چیز و هر کس دوست داشت.

## دعوت به بازسازی خانه خدا

در سال دوم سلطنت داریوش، در روز اول ماه ششم، خداوند پیامی توسط حجی نبی برای زروبابل (پسر شلتی نیل) حاکم یهودا، و برای یهوشع (پسر یهوصادق) کاهن اعظم، فرستاد.

خداوند قادر متعال به حجی نبی فرمود: «این قوم می گویند که اکنون وقت بازسازی خانه خدا نیست.»<sup>۲</sup> سپس، خداوند این پیام را توسط حجی نبی برای قوم فرستاد: «آیا این درست است که شما در خانه های نوساخته زندگی کنید ولی خانه من خراب بماند؟<sup>۵</sup> به نتیجه کارهایتان نگاه کنید: <sup>۶</sup> بذر زیاد می کارید، ولی محصول کم برداشت می کنید؛ می خورید ولی سیر نمی شوید؛ می نوشید ولی تشنگی تان رفع نمی گردد؛ لباس می پوشید اما گرم نمی شوید؛ مزد می گیرید ولی گویی آن را در جیبهای سوراخدار می گذارید.

<sup>۷</sup> «خوب فکر کنید و ببینید چه کرده اید و نتیجه اش

چه بوده است!<sup>۸</sup> حال به کوه رفته، چوب بیاورید و خانه مرا دوباره بسازید تا من از آن راضی شوم و در آنجا مردم احترام مرا بجا آورند.

<sup>۹</sup> «انتظار محصول فراوانی داشتید، اما خیلی کم بدست آوردید؛ و وقتی همان مقدار کم را هم به منزل آوردید، آن را از بین بردم. می دانید چرا؟ چون خانه من خراب مانده و شما فقط به فکر خانه های خود هستید.<sup>۱۰</sup> به همین علت است که آسمان نمی بارد و زمین محصول خود را نمی دهد.<sup>۱۱</sup> من در سرزمین شما خشکسالی پدید آورده ام و این خشکسالی تمام کوهها، مزرعه ها، تاکستانها، باغهای زیتون و سایر محصولات و حتی انسان و حیوان و تمام حاصل دسترنج شما را فرا خواهد گرفت.»

<sup>۱۲</sup> آنگاه زروبابل و یهوشع و تمام کسانی که از اسارت برگشته بودند از خداوند ترسیدند و پیام حجی نبی را که خداوند، خدایشان به او داده بود اطاعت

بدهند: <sup>۱۲</sup> اگر کسی قسمتی از گوشت مقدس قربانی را در دامن ردایش گذاشته آن را حمل کند و برحسب اتفاق ردایش با نان، آش، شراب، روغن و یا هر نوع خوراک دیگری تماس پیدا کند، آیا آن خوراک مقدس می‌شود؟»

وقتی حجی از کاهنان این سؤال را کرد آنها جواب دادند: «نه، مقدس نمی‌شود؟»

<sup>۱۳</sup> سپس حجی پرسید: «و اما اگر شخصی به جسد مرده‌ای دست بزند و بدین ترتیب شرعاً نجس شود و بعد به یکی از این خوراکیها دست بزند، آیا آن خوراک نجس می‌شود؟»

کاهنان جواب دادند: «بلی، نجس می‌شود.»  
<sup>۱۴</sup> پس حجی گفت: «خداوند می‌فرماید شما نیز در نظر من همینطور نجس هستید و هرکاری که می‌کنید و هر قربانی که به خانه من می‌آورید، نجس است.»

### وعدۀ برکت

<sup>۱۵</sup> خداوند می‌فرماید: «خوب فکر کنید و ببینید قبل از اینکه دست به کار ساختن خانه خداوند بزنید وضع شما چگونه بود. <sup>۱۶</sup> در آن روزها وقتی انتظار داشتید دو خروار محصول برداشت کنید، فقط نصف آن به دستتان می‌رسید، و هنگامی که به امید پنجاه لیتر شراب به سراغ خمره‌هایتان می‌رفتید، بیشتر از بیست لیتر نمی‌یافتید. <sup>۱۷</sup> من محصولات شما را با باد سوزان، آفت و تگرگ از بین بردم، اما با وجود همه اینها بسوی من بازگشت نکردید. <sup>۱۸</sup> ولی از امروز که روز بیست و چهارم ماه نهم و روزی است که بنیاد خانه خدا گذاشته شده است، ببینید من برای شما چه خواهم کرد. <sup>۱۹</sup> اگر چه غله‌ای در انبارها باقی نمانده، و هنوز درختان انگور، انجیر، انار و زیتون میوه نداده‌اند، ولی من به شما برکت خواهم داد.»

### وعدۀ خداوند به زروبابل

<sup>۲۰</sup> در همان روز پیام دیگری از جانب خداوند به

\* «ثروت آنها به این خانه سرازیر می‌شود» یا «آرزوی آنها به این خانه خواهد آمد». جمله دوم، بنظر برخی مفسرین اشاره است به ظهور مسیح موعود.

<sup>۱۳</sup> سپس خداوند بار دیگر توسط نبی خود حجی به قوم فرمود: «من با شما هستم.» <sup>۱۴</sup> و <sup>۱۵</sup> خداوند در زروبابل و یهوش و تمام قوم علاقه و اشتیاق ایجاد کرد تا خانه او را بسازند. پس، در سال دوم سلطنت داریوش در روز بیست و چهارم ماه ششم همه جمع شده، به بازسازی خانه خداوند قادر متعال، خدای خود پرداختند.

### شکوه خانه خدا

**۲** در روز بیست و یکم ماه هفتم همان سال، خداوند به حجی گفت:

<sup>۲</sup> «از حاکم و کاهن اعظم و همه قوم این سؤال را بکن: <sup>۳</sup> آیا کسی در بین شما هست که شکوه و عظمت خانه خدا را آنطوری که در سابق بود به خاطر آورد؟ آیا این خانه‌ای که می‌سازید در مقایسه با خانه قبلی به نظر شما ناچیز نمی‌آید؟»

<sup>۴</sup> «هر چند به ظاهر چنین است اما مایوس نشوید. ای زروبابل و یهوش و همه قوم، قوی دل باشید و کار کنید، چون من با شما هستم. <sup>۵</sup> وقتی از مصر بیرون می‌آمدید به شما وعده دادم که روح من در میان شما می‌ماند؛ پس ترسان نباشید!»

<sup>۶</sup> خداوند قادر متعال می‌فرماید: «بزودی آسمانها و زمین، دریاها و خشکی را به لرزه در می‌آورم. <sup>۷</sup> تمام قوم‌ها را سرنگون می‌کنم، و ثروت آنها به این خانه سرازیر می‌شود\* و من این محل را با جلال خود پر می‌سازم. <sup>۸</sup> تمام طلا و نقره دنیا از آن من است. <sup>۹</sup> شکوه و عظمت آینده این خانه از شکوه و عظمت خانه قبلی بیشتر خواهد بود و در این مکان به قوم خود صلح و سلامتی خواهم بخشید.» این است آنچه خداوند قادر متعال می‌فرماید.

### سؤال حجی از کاهنان

<sup>۱۰</sup> در روز بیست و چهارم ماه نهم از دومین سال سلطنت داریوش، این پیام از جانب خداوند قادر متعال به حجی نبی نازل شد:

<sup>۱۱</sup> «از کاهنان بخواه تا جواب شرعی این سؤال را

حجی رسید:

<sup>۲۱</sup> «به زروبابل، حاکم یهودا بگو که بزودی آسمانها و زمین را به لرزه درمی آورم، <sup>۲۲</sup> تختهای فرمانروایان را واژگون می سازم و قدرت آنان را از بین می برم. عرابه ها و سواران را سرنگون می کنم، و

## حجی / ۲

اسبها کشته می شوند و سوارانشان یکدیگر را با شمشیر از پای درمی آورند. <sup>۲۳</sup> اما وقتی که این امور واقع گردد، ای زروبابل، خدمتگزار من، تو برای من مانند نگین انگشتر خواهی بود، زیرا تو را برگزیده ام.» این است آنچه خداوند قادر متعال می فرماید.